قضیه قتل تیمورتاش

مؤیدثابتی، علی

مطالعهء مقالهء ممتع آقای دکتر جواد شیخ الاسلامی در شمارهء 6 و 7 آیندهء سال 11 تحت‏ عنوان شیوهء کاربرد اسناد که در ضمن آن موضوع قتل مرحوم تیمورتاش انشا شده بود خاطره‏ای را بیاد بنده آورد که در تأیید مقال ایشان شاید درج آن بیمورد نباشد.

در ایام حکومت مرحوم دکتر مصدق بنده روزی برای دیدار مرحوم تقی‏زاده‏ که در دروس واقع بود رفتم.من و ایشان تنها بودیم و نمیدانم ایشان بچه مناسبت از دورهء سلطنت رضا شاه پهلوی صحبت بمیان آوردند و در ضمن آن داستانها راجع به واقعهء قتل تیمورتاش بیاناتی کردند که با آنچه نویسندهء مقاله شرح داده‏اند با اندک اختلافی‏ تطبیق میکرد.ایشان گفتند که موقعی که من وزیر دارائی بودم موضوع قرارداد نفت‏ با انگلیس‏ها مطرح مذاکره بود.شبی که باید این قرارداد در هیئت دولت مورد بحث‏ واقع شود،رضا شاه با حال عصبانی به هیئت دولت ورود نمود و گفت بالاخره این کار نفت بکجا انجامید.من هنوز جواب درستی نداده بودم که او پروندهء نفت را که در روی‏ میز بود از جلو من برداشت و در میان آتش بخاری انداخت و گفت بنشینید و ترتیب‏ الغای لغو قرارداد دارسی را بدهید و خود از اطاق بیرون رفت.ما هم همین کار را کردیم و قرارداد نفت دارسی را ملغی ساختیم.فردای آنروز سرلشکر آیرم بمن تلفون‏ کرد و گفت با شما کار لازمی دارم و هم‏اکنون منزل شما خواهم آمد.او در آنوقت‏ رئیش شهربانی بود.طولی نکشید که بمنزل من آمد و پس از مقدماتی گفت آیا میدانید چه کسی گزارش دیشب هیئت دولت را به انگلیس‏ها داده است.من با نگرانی اظهار بی‏اطلاعی کردم.سرلشکر آیرم گفت که من یقین دارم که این دسته گل را تیمورتاش‏ به آب داده و او بوده است که بلافاصله تمام جریان اخبار دیشب هیئت دولت را باطلاع‏ انگلیسیها رسانیده است.آیرم این اظهارات را کرد و از منزل من خارج شد و من آنجا یقین کردم که با دشمنی سختی که او نسبت به تیمورتاش دارد دیگر کار آن بیچاره تمام‏ شده است.من از آقای تقی‏زاده سئوال کردم که آیا تصور نمیفرمائید که انگلیسیها در این‏ کار دست داشته‏اند،ایشان در پاسخ این پرسش حسب المعمول جواب صریحی نفرمودند ولی از قیافهء ایشان و طرز جوابشان این نظر تأیید میشد.

اگر بچگونگی جریان الغای قرارداد نفت و مخصوصا سوزانیدن پروندهء آن توجه‏ کنیم می‏بینیم که جریان این امر بهیچوجه یک موضوع سری نبوده است،بلکه رضا شاه‏ خود میل داشته است که این خبر منتشر شود.تا از یکطرف خود را از وابستگی به‏ انگلیسیها تبرئه کند و جلب نظر مردم را بنماید(در آنموقع هنوز بنظر مردم اهمیت‏ میداد)و هم اینکه به انگلیسیها دندانی نشان دهد تا آنها بدانند که رضا شاه آن آدمی که آنها تصور میکردند و از او انتظارها داشتند نیست.

همانطوریکه در آن مقاله ذکر شده بود رضا شاه روز قبل از این واقعه موضوع‏ را با مرحوم ذکاء الملک فروغی در میان میگذارد و برنامهء عمل خود را در هیئت دولت‏ قبلا باو میگوید.بنابراین چون عمل او مسبوق بسابقه و طبق نقشهء قبلی بوده است اظهار عصبانیت او در هیئت دولت و به آتش افکندن پروندهء نفت یک نوع جنبهء تظاهری و ساختگی داشته است.چگونه عمل الغای قرارداد محرمانه بود،در حالی که فردای آنشب‏ طبق اعلامیهء الغای آن قرارداد را باطلاع سفارت انگلیس رسانیده‏اند.

اما علت دستگیری و قتل فجیع تیمورتاش،تردیدی ندارد که انگلیسیها تیمورتاش‏ را مخالف سیاست خود میدانستند و مصمم بودند که او را از میان بردارند.تیمورتاش‏ در ایام جوانی تحصیلات خود را در روسیه در قسمت نظام کرده و با مرحوم امان الله‏ میرزای جهانبانی هم‏مدرسه بود.او زبان روسی را خوب میدانست و بهمین جهت الفت‏ و نزدیکی بسیار با روسها داشت.این خصوصیت او را با روسها،موقعی که او در زندان‏ بود و کاراخان به ایران آمد مشاهده کردیم.تیمورتاش برای مأموریتی بر حسب دستور رضا شاه به اروپا و از آنجا به روسیه شوروی رفت و در مسکو شاید ملاقاتهائی با مقاماتی‏ کرد.برای انگلیسیها خیلی آسان بود که برای چنین شخصی با تظاهراتی که داشت‏ بدگمانی رضا شاه را برانگیزند و همین کار را هم کردند.آنها از راه‏های غیرمستقیم‏ مطالبی را باطلاع شاه میرسانیدند که روزبروز بدگمانی او را نسبت باین شخص بیشتر میکردند.مثلا یکی از روزنامه‏های ممالک شرقی را دستور میدادند که از تیمورتاش‏ و فعالیت و سیاست او تعریف کند و بنویسد که چون ولیعهد طفل و ضعیف است بعد از مرگ رضا شاه تیمورتاش جانشین او خواهد بود.روزنامه‏ای را که در مملکت طبع و نشر میشد وادار میساختند که آن خبر را با حروف درشت در روزنامه خود درج نماید. اینها همه شیطنت‏های انگلیسیها بود تا کار آن مرد را بسازند.سرلشکر آیرم که از عمال‏ خود آنها بود این مطالب را بنظر شاه میرسانید.

اما این موضوع را باید در نظر داشت که اگر بر فرض موضوع نفت هرگز بوجود نمیآمد و یا اینکه تیمورتاش هرگز پایش را بخاک شوروی نمیگذاشت باز هم نابودی‏ و فنای او حتمی بود،زیرا محال بود که رضا شاه حتی یک نفر از کسانی را که دستش‏ را گرفته و او را به تخت نشانیده بودند زنده بگذارد،یا اینکه در ردیف پائین‏تر بودند مطرود و منزوی نسازد.رضا شاه مانند یک استادکار متخصص بود که پس از اتمام کار خود تمام آلات و ابزاری که با آنها کار کرده بود به دور میانداخت.داور که مرد باهوشی بود بواسطهء همین پیش‏بینی قبلا خودکشی کرد و سرلشکر آیرم نیز قبل از اینکه‏ نوبت او فرارسد از ایران فرار نمود.

واقعهء ترور سرلشکر امیر طهماسبی در راه اصفهان و قتل نصرة الدوله و حبس و قتل سردار اسعد بختیاری و دیگران مولود همین بدگمانی و سوءظن شدید او بود.

قتل فجیع مرحوم ارباب کیخسرو که یکی از آزادمردان ایران بود و همچنین‏ قتل مرحوم مدرس بهمین دلیلها بود.

پیه مونتسه در تهران

شناسانندهء نسخهء شاهنامهء مورخ 614 و منطق الطیر مصور قدیمی

آنجللو پیه مونتسه A.Piemontese ایرانشناس نامور ایتالیائی دوست دیرینهء ایران است و اینک در ایران.سالهاست او را می‏شناسم و از نوشته‏های محققانه و مبتکرانه‏اش بهره‏وری برده‏ام.او از اروپائیانی است که در شناخت نسخ خطی فارسی‏ و دستیابی به مجموعه‏های دورافتاده در زوایای ایتالیا یکتا ندارد.سالهاست که نسخه‏های‏ دیرینه را می‏یابد و معرفی می‏کند.مگر نه آن است که اقدم نسخ شاهنامهء فردوسی را او در گوشه‏ای از فلورانس شناخت و به جهانیان معرفی کرد و ضابطهء تصحیح شاهنامه‏ را دگرگون ساخت.بخشی از مقالهء او را چندسال پیش در همین مجله چاپ کردیم و هموطنانمان را ازین بشارت او آگاه ساختیم.باز چندی پیش بود که یکی از قدیم‏ترین‏ و نفیس‏ترین نسخه‏های منطق الطیر عطار را در کتابخانهء دیگری به دست آورد و دربارهء آن مقاله نوشت.امتیاز این نسخه به مجالس تصویر آن است که قدیمی و دیدنی و ابتکاری‏ است.

از خود اسکارچیا شنیدم که بازیل گری(متخصص معروف شناخت مجلسهای‏ نقاشی ایران)گفته است چنین نمونه‏ای از نقاشی ایرانی تاکنون نمی‏شناختیم و از عجائب‏ هنر ایران است.افسوس که هنوز اطلاعی ازین نسخه به فارسی نشر نشده است و بهمین‏ ملاحظه اکنون که پیه مونتسه در ایران است مصرا از او خواستاریم که مقالهء کوتاهی‏ برای درج در آینده بنویسد و بدهد.

پیه مونتسه از ادبیات‏شناسان ایران است.سالها در دانشگاه رم(ایتالیا)و دانشگاه‏ استراسبورگ(فرانسه)تدریس کرده و حدود یکصد مقاله نوشته است و چندین کتاب‏ معتبر و مفید نشر کرده است.کتابشناسی ایران در زبان ایتالیائی(دو جلد)از برجسته‏ترین‏ کارهای اوست و گوشه‏ای از اطلاع و بصیرت او در زمینهء کتابشناسی مربوط به ایران.

یکی از کارهای جذاب او نگارش مقاله‏ای است در تاریخ عکاسی ایران و آن‏ به مناسبت دست یافتن به مجموعه‏ای از عکسهای ایران است که یک عکاس ایتالیائی در آغاز پیدا شدن فن عکاسی از ایران برداشته و به احتمال قوی نخستین کسی است که از رجال و مناظر ایران عکاسی کرده بوده است.

پیه مونتسه چندسال بود که به ایران نیامده بود.در دیدار کوتاهی که باهم داشتیم‏ به یاد سی سال گذشته پرس‏وجوها از یکدیگر کردیم.من از احوال ایرانشناسان ایتالیایی‏ می‏پرسیدم و می‏خواستم بدانم هریک از آنان به چه تحقیق و تجسسی مشغول است.

(ا.ا.)